

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع مقاله:

«کریم الثقلین»

حمید حسینی زاده

کانون فرهنگی شفق

تابستان ۸۹

چکیده

در ماه رمضان هستیم و انس با قرآن کریم حس دیگری دارد. از آنجا که پیامبر توصیه به تمسک به ثقلین نموده است، بر این شدیم که نگاهی به کرم کریم اهل بیت علیه السلام با توجه به قرآن کریم داشته باشیم.

که در آخر به این نتیجه رسیدیم که کریم مهمان نواز، با تقوا، نجات دهنده جامعه است و از سخن و اعمال بیهوده مطهر است که دعایش مستجاب و دوستی با او واجب است.

کلید واژه: قرآن کریم، امام حسن، مناقب

تعریف لغوی

هر گاه انسان با واژه «کرم» وصف شود در آن صورت اسمی است برای اخلاق و افعال پسندیده‌ای که از انسان ظاهر میشود و واژه «کریم» تا وقتی که آن اخلاق و رفتار ظاهر نشود گفته نمیشود. (مفردات ج ۴ ص ۱۲)

صفت کرم و بخشندگی مثل صفت جوانمردی است جز اینکه جوانمردی و حریت در خوبیهای کوچک و بزرگ هر دو بکار می رود ولی «کرم» گفته نمیشود مگر در نیکی‌ها و محاسن بزرگ. (همان)

افراد کریم در قرآن

آیه اول

« وَ لَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ جَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ؛ ما پیش از اینها قوم فرعون را آزمودیم و رسول بزرگواری به سراغشان آمد» (دخان/۱۷)

در تعقیب آیات ۱۴ الی ۱۶ که سخن از سرکشی مشرکان عرب و عدم تسلیم آنها در مقابل حق می‌گوید، این آیه به نمونه‌ای از امم پیشین که آنها نیز همین مسیر را طی کردند و سرانجام به عذابی دردناک و شکستی فاحش مبتلا شدند، اشاره می‌کند، تا هم تسلی خاطر باشد برای مؤمنان و هم تحدیدی برای منکران لجوج و آن داستان موسی و فرعون است، می‌فرماید: " ما قبل از اینها قوم فرعون را آزمودیم " (وَ لَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ). در این هنگام رسول بزرگواری به سراغ آنها آمد " (و جاءهم رسول کریم). (تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص: ۱۶۸)

منظور از «فتنا» احتمالاً آزاد سازی مردم و ترک بهره‌کشی و تحقیر توسط فرعونیان (تفسیر نور ج ۱۰ ص ۴۹۴) است و خداوند در این آیه موسی را به این دلیل کریم می‌خواند. " کریم " از نظر خلق و خوی، " کریم " از نظر ارزش و بزرگواری در پیشگاه حق، و " کریم " از نظر اصل و نسب. (پیشین.)

آیه دوم

« إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَى اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است » (حجرات/۱۳)

در آیه ۱۳ سوره حجرات ترکیبی از دو کلمه تقوا و کریم بودن دیده می شود. از این ترکیب نکات زیر برداشت می شود:

۱- راه کریم شدن در نزد خداوند، داشتن تقوا است؛ پیامبر- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ- می فرماید: من سرّه أن يكون أكرم الناس فليتق الله. (تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب به نقل از أنوار التنزیل ج ۲ ص ۴۱۱)

۲- کسی که صفت کریم بودن را در خود تقویت کند، تقوا نیز در وی تقویت می گردد؛ به عبارت دیگر هر کس کریم است با تقوا هم هست؛ پیامبر- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ- می فرماید: يا أيها الناس، إنما الناس رجلان: رجل مؤمن تقىّ كريم على الله، و فاجر شقىّ هين على الله. (همان)

۳- کرم و بخشش باید مثل تقوا مخفیانه باشد؛ (از آنجا که تقوا یک صفت روحانی و باطنی است که قبل از هر چیز باید در قلب و جان انسان مستقر شود، و ممکن است مدعیان بسیار داشته باشد و متصفان کم، در آخر آیه می افزاید: " خداوند دانا و آگاه است " (إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ))

آیه سوم

در سوره ذاریات آیه ۲۴ می خوانیم: «حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ» که این میهمانان در پیشگاه پروردگار محترم بودند. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن ج ۲۳ ص ۳۱۲)

از مجاهد نقل شده است که ابراهیم این فرشتگان را احترام کرده بود، آنان را در جایگاهی رفیع نشانده، خویشان بخدمت آنان می پرداخت، زیرا میهمان افراد محترم همیشه محترم خواهد بود، و ابراهیم از همه مردم عصر خود بزرگوarter و جوانمردتر بود (همان) و صفت کریم به خاطر احتراماتی است که ابراهیم برای آنها قائل شد. (نمونه ج ۲۲ ص ۳۴۴)

آیه چهارم

«إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ؛ که این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است [جبرئیل امین]» (تکویر/ ۱۹)

در این آیه و آیات بعد پنج وصف برای «جبرئیل» پیک وحی خدا بیان شده، که در حقیقت اوصافی است که برای هر فرستاده جامع الشرائط لازم است.

نخست توصیف او به «کریم» بودن که اشاره به ارزش وجودی اوست. (نمونه ج ۵ ص ۴۲۳)

آمدن این صفت قبل از صفات دیگر نشان دهنده این است که یک فرستاده و جانشین باید قبل از همه چیز کریم باشد. آری خداوند کریم، قرآن کریم را با فرشته ای کریم بر پیامبری کریم فرستاد.

مناقب کریم اهل بیت در قرآن

آیه تطهیر و کریم اهل بیت

« إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت ع دور کند و کاملاً شما را پاک سازد»

تعبیر " اهل البیت" به اتفاق همه علمای اسلام و مفسران، اشاره به اهل بیت پیامبر ص است، و این چیزی است که از ظاهر خود آیه نیز فهمیده می شود، چرا که " بیت" گرچه به صورت مطلق در اینجا ذکر شد، اما به قرینه آیات قبل و بعد، منظور از آن، بیت و خانه پیامبر ص است. (تفسیر نمونه ج ۱۷ ص ۲۴۹)

جمله " یرید" اشاره به اراده تکوینی پروردگار است، و گرنه اراده تشریعی، و به تعبیر دیگر لزوم پاک نگاهداشتن خویش، انحصاری به خاندان پیامبر ص ندارد، و همه مردم بدون استثناء به حکم شرع موظفند از هر گونه گناه و پلیدی پاک باشند. (همان) تعبیر به " انما" که معمولاً برای حصر است، دلیل بر این است که این موهبت ویژه خاندان پیامبر (ص) است. (همان)

بعضی از مفسران آیه را شامل همه خاندان پیامبر اعم از مردان و همسران او دانسته اند. از سوی دیگر روایات بسیار زیادی که در منابع اهل سنت و شیعه وارد شده شمول همه خاندان پیامبر (ص) را نفی می کند و می گوید: «مخاطب در آیه فوق منحصرآ پنج نفرند: پیامبر ص، علی ع و فاطمه ع و حسن ع و حسین ع.»

در مجمع البیان جلد ۲۰ صفحه ۱۱۱ می خوانیم:

«ابو حمزه ثمالی در تفسیرش گوید: حدیث کرد مرا حوشب از ام سلمه گوید، فاطمه علیها سلام نزد پیغمبر (ص) آمده و حریره‌ای برای آن حضرت آورد، پیامبر فرمود شوهرت و دو پسر را بخوان، پس فاطمه آنها را آورده و از آن حریره خوردند آن گاه پیغمبر کساء خیبری را بر سر آنان انداخته و گفت: «اللّهم هؤلاء اهل بیتی و عترتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا؛ بار خدایا اینان خاندان و خویشان منند، پس از ایشان پلیدی را ببر و ایشان را پاک کن پاک کردنی.» ام سلمه گوید: پس گفتم یا رسول اللّٰه و من با ایشانم، فرمود تو بخیر و سعادتی.»

همچنین ایشان در مآثوراتی که نقل می کند از حاکم حسکانی نیز می نویسد:

« و خبر داد ما را سید ابو الحمد گفت حدیث کرد ما را ابو القاسم حسکانی گفت حدیث کرد ما را از ابی بکر سبعی گفت حدیث کرد ما را ابو عروه هراتی گفت حدیث کرد ما را ابن مصفا گفت حدیث کرد ما را عبد الرحیم بن واقد از ایوب بن سیار از محمد بن منکدر از جابر گفت این آیه نازل شد بر پیغمبر (ص) در حالی که در خانه نبود مگر فاطمه و حسن و حسین و علی علیهم السلام، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ پس پیغمبر (ص) گفت: اللّهم هؤلاء اهل بیتی و عترتی ...»

پس به اعتراف عامه و خاصه ایشان یکی از پنج تن است که مطهر شده از رجس است که اگر کریم نباشد نقض تطهیر است.

آیه مباهله و آن حضرت

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ هر گاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود آن گاه مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم» (آل عمران/۶۱)

به اعتراف عامه و خاصه فقط او و حضرت امام حسین (ع) مراد پروردگار از کلمه «أبنائنا» در آیه شریفه مباهله است. (رک: جامع البیان ج ۳ ص ۴۰۸، سنن الترمذی ج ۵ ص ۳۰۲، الدر المنثور ج ۲ ص ۳۹ و التبیان ج ۲ ص ۴۸۴، الخصال للصدوق ص ۵۷۶ و ...)

او کسی است که در مباحثه با نصاری ثابت شد که آنقدر نزد خدا کریم و گرامی است «که اگر دست به دعا بردارد اراده او به امری وابسته است که» «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (زینت عرش خدا ص ۱۴)

آیه مودت و آن حضرت

از نظر روایات شیعه و سنی اتفاق دارند که این آیه درباره اهل بیت (ع) نازل شده و طبق این آیه مودت و دوستی آنان را واجب و دشمنی با آنان را حرام میدانند. (رک: صحیح بخاری جزء ۶ در تفسیر این آیه، صحیح مسلم جزء ۵ در تفسیر این آیه، صحیح ترمذی جلد ۲ صفحه ۳۰۸، فضائل ابن حنبل حدیث ۲۶۳، فرائد السمطین باب ۲۶ از سمط ثانی حدیث ۴۲۵ و...)

«ابو حمزه ثمالی از سدی نقل کرده منظور از «اقتراف حسنه» در این آیه دوست داشتن آل محمد (ص) است.»
«و از طریق صحیح از حسن بن علی (ع) روایت شده که برای مردم خطبه خواند و ضمن خطبه خود فرمود: من از آن خاندان هستم که خداوند مودت و دوستی آنان را بر هر مسلمانی واجب کرده میفرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» بجا آوردن حسنه عبارتست از محبت ما اهل بیت» (این خطبه را حضرت پس از شهادت پدرش امیر المؤمنین (ع) برای مردم ایراد فرموده‌اند، و نیز در تفاسیر اهل سنت اقتراف حسنه محبت اهل بیت معرفی شده است {تفسیر کشاف و الدر المنثور})
«اسماعیل بن عبد الخالق از حضرت صادق (ع) روایت میکند که فرمودند این آیه درباره ما اهل بیت و اصحاب کساء نازل شده است»

آیاتی دیگری نیز هست که به همین اکتفا می کنیم.

نتیجه:

با مطالب مذکور، شخص کریم که امام حسن (ع) یک نمونه والای آن است، از صفات زیر برخوردار است:

- ۱- نیکی و محاسن بزرگ را انجام می دهد که از کثرت کرم بعضی از آن اعمال ظاهر می شود.
- ۲- او کسی است که باعث نجات جامعه از فقر، کفر و تاریکی می شود و آنها را به عزت و استقلال می رساند.
- ۳- او گرمی ترین فرد نزد خداست که صفت تقوا با وجود او عجین شده است.
- ۴- بسیار مهمان نواز است و خوش برخورد و خوش مشرب؛ به گونه ای که نه تنها فرشته های رحمت، بلکه فرشته های عذاب هم به او هدیه می دهند.
- ۵- اوست که پلیدی و رجس در درونش راهی ندارد و با آنها بیگانه است. و هیچ عمل باطلی انجام نمی دهد که باعث حبط آن شود. زیرا خدا او را مطهر نموده.
- ۶- چنین شخصی را نه تنها باید گرمی داشت بلکه دوستی او واجب است و اگر خدا این دوستی را واجب نموده نشان عصمت اوست. و محبت او انسان را از ظلمات به نور می کشاند.

منابع:

- ۱- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی
- ۲- المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی حسین بن محمد، ترجمه خسروی حسینی سید غلامرضا، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵، چ دوم
- ۳- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی ناصر، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴، چ اول
- ۴- تفسیر نور، قرائتی محسن، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳، چ یازدهم
- ۵- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قمی مشهدی محمد بن محمد رضا، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، چ اول
- ۶- زینت عرش خدا نور چشم خاتم انبیا امام حسن مجتبی، خراسانی وحید، مدرسه الامام باقر العلوم، قم، ۱۳۸۹، چ اول
- ۷- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی فضل بن حسن، ترجمه مترجمان، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰، چ اول